

آقای ترامپ و دارایی های ایران

\$\$\$

امیر فیض- حقوقدان

در جریان فعالیت های انتخاباتی آقای ترامپ که یک هفته بطول انجامید او به بخشی از برنامه های دولت احتمالی خود اشاره ای همراه با توضیح داشت که موردی از آن اشارات، متوجه دارایی های بلوکه شده ایران نزد آمریکا میباشد؛ و از آنجا که موضوع مزبور یکی از اشتغالات تحریرات اینجانب است لازم شد که از مراتب اشاره واستناد ایشان که بهرحال ممکن است واجد مقام ریاست جمهوری آمریکا بشود و حتی اگر نشود، بهره برداری حقوقی و سیاسی شود.

سه بار اقرار به حق ایران

آقای ترامپ سه بار در دفعات وبمناسبت هائی به مبلغ دارائی های بلوکه شده ایران نزد آمریکا اشاره کرد که موارد مزبور بشرح زیر میباشد:

۱- <ایران با این توافق به ۱۵۰ میلیارد دلار دست یافته است و آمریکا به هیچ< او توافق هسته ای را وحشتناک و فاجعه بار و بدترین توافق ممکنه نامید.

۲- <اولویت من لغوتوافق با ایران است ... این توافق برای آمریکا، اسرائیل و کل خاورمیانه فاجعه آمیز و مشکل اساسی است. مابه پیشروترین کشور جهان در حمایت از تروریسم ۱۵۰ میلیارد دلار جایزه دادیم و به عوض هیچ چیز دریافت نکردیم.>

۳- <ایران قرار است با بخش کوچکی از ۱۵۰ میلیارد دلایه قرار است به آنها بدهیم ۱۱۴ هواپیمای جت خریداری کند اما این هواپیماها را از آمریکا خریداری نمیکنند از ایرباس میخرند.>

****** فرزند آقای ترامپ از قول پدرش در سخنرانی خود گفت: <او (مقصود دانالد ترامپ است) دیگر نمیتواند یک دولت بی منطق (دولت اوباما) را که ۱۵۰ میلیارد دلایه ایران میدهد بپذیرد.>

لنگه کفش کهنه

در ادبیات فرهنگی ما ضرب المثلی است که میگوید: <در بیابان لنگه کفش کهنه نعمت خداست> در تطبیق مورد، در حالیکه در رابطه با میزان دارائی های بلوکه شده ایران از سوی آمریکا و حتی جمهوری اسلامی هیچ رقمی بصورت رسمی از سوی مقامات مسئول جمهوری اسلامی اعلام نشده و هرچه هم گفته شده با اختلاف بزرگی مواجه و جنبه نظری داشته است و از سونی مقامات آمریکائی هم از این حالت بلبشوی جمهوری اسلامی در کتمان ویابی اطلاعی از میزان دارائی های بلوکه شده ایران در آمریکا سوء استفاده کرده و هر یک با ایراد نظریه مبلغی به دلخواه خود بر آن فرض گذاشته اند البته که اظهارات آقای ترامپ

که احتمالاً چه جایگزین باراک اوباما خواهد شد یا نشود لنکه کفش کهنه ای است که بسیار برای حفظ حقوق ایران قابل پا کردن است.

مواردی از سو، استفاده آمریکا و اموال بلوکه شده ایران

در تحریرات سابقه در رابطه با دارایی های بلوکه شده ایران نزد آمریکا مطالبی تحریر و نظرات شخصیت های آمریکایی و ایرانی و حتی رئیس بانک بین المللی درباره میزان دارایی های بلوکه شده ایران مستند قرار گرفت. از آنجا که از آن تاریخ همچنان سیر اظهار نظرنسبت به میزان دارایی های بلوکه شده ایران در آمریکا ادامه دارد و مانند لاشه ای که هر لاشخوری قطعه ای از گوشت آن لاش را بر میدارد آنها هم در هر فرصتی تا توانسته اند از مبلغ دارایی های ایران تراشیده اند چنانکه خانم سوزان رایس مشاور امنیت ملی دولت آمریکا در گفتگوی با قانون گزاران آمریکایی اخیراً گفت: «میزان پول متعلق به ایران که آمریکا بلوکه کرده که در صورت توافق آزاد میشود حدود ۱۰ میلیارد دلار است» لذا موضوع دارایی های ایران بصورت یک معضل بزرگ حقوقی و سیاسی درآمده است که نظارت و حساسیت ایرانیان را بیش از پیش لازم میسازد.

دارائی های ایران در چین و هند

نه تنها جمهوری اسلامی از میزان دارایی های بلوکه شده خود توسط آمریکا ظاهراً بی اطلاع!! است بلکه از میزان مطالبات ایران از کشورهای هند و چین و سایر کشورهای آسیایی هم بی اطلاع!! و یا در مقام اعلام و مطالبه آن نیست. اخیراً خبرگزاری رویترز در گزارشی اعلام کرد؛ «سه کشور هند و کره جنوبی و ژاپن ۱۵/۳ میلیارد به جمهوری اسلامی بدهکارند» و با توجه به اینکه علی لاریجانی هم بدهی دولت چین به ایران را رقمی برابر ۲۲ میلیارد یورو برابر با ۲۸/۵ میلیارد دلار اعلام داشته لذا جمع مطالبات ایران از کشورهای آسیایی برابر با ۴۳ میلیارد دلار میشود، که البته گفته شده دولت چین به ازای مطالبات ایران کالا! و دولت هند هم ادویه! به ایران خواهد داد (حد بدبختی و ذلت را بخوان از این معضل).^۱



بی اطلاعی و یا بی نیازی

به هیچوجه قابل قبول نیست که دولتی که دارای بانک مرکزی و کمیسون نظارت بر بودجه و منابع در آمد کشور است هر قدر هرج و مرج و ناتوان باشد نداند که دارایی های بلوکه شده ایران نزد کشورهای خارجی چه مقدار است. اساساً هیچ طلبکاری نیست که نداند چقدر و از کی طلب دارد میتوان گفت که جهل به

^۱ - شاید روزی برسد؛ بجای کالای بنجل چینی و ادویه چیز دیگری حواله بدهند... ح-ک

طلب و مقدار آن، مسقط ادعای طلب است. اما این قاعده کلی یعنی نظارت بردارایی های کشور و بودجه وامثال آنها نمیتواند روال کار جمهوری اسلامی متشیع باشد.

سمت این تحریر

این تحریر مایل است قبل از ورود به بحث اینکه صاحبان حقیقی ایران چگونه میتوانند از اقرار آقای ترامپ کاندید ریاست جمهوری آمریکا در مورد مبلغ دارایی های بلوکه شده ایران استفاده کنند که در واقع مطلوب این تحریر است، به موضوع با اهمیتی که از تبعات اصلی دارایی های بلوکه شده ایران است و ظاهراً ممکن است تاکنون مورد بحث و نقد قرار نگرفته باشد بپردازد.

تحقیق درباره عدم اطلاع!!

تصور بر اینکه جمهوری اسلامی نمیداند که میزان دارایی های ایران نزد آمریکا که بلوکه است چه میزان است بکلی باطل است، علت گیر کردن در این توهم، عدم تشخیص جهل نسبت به موضع خودمان و موقعیت رهبری ولی فقیه در جامعه حقوقی جمهوری اسلامی است.

جهل به این معنا که ما تصور میکنیم که چون تابعیت ایران را داریم لذا حق داریم که از آنچه در ایران میگذرد با اطلاع باشیم و نیز مسئولین کشور و در راس آنها سید علی تکلیف دارند تا مردم را در جریان امور قرار بدهند و چون چنین چیزی که ما انتظار طبیعی داریم بوقوع نمی پیوندد از جمله همین مقدار دارایی های بلوکه شده ایران نزد آمریکا؛ آنرا به حساب بی اطلاعی جمهوری اسلامی میگذاریم.

در حالیکه واقعیت این است که ما ایرانیان به علت آغشته بودن با مذهب تشیع، و ماهیت معنوی شکل یافته خودمان از باورهای مذهبی، در مقام و موقعیتی نیستیم که لیاقت و صلاحیت قانونی و شرعی داشته باشیم که از اوضاع کشور مطلع و نسبت به سرنوشت آن دخالت کنیم.

مقصود از لیاقت شرعی و قانونی این است که تشیع لیاقت و صلاحیت دخالت مردم را در شئون اجتماعی و فردی و حتی سیاسی گرفته است و با قبول محجور بودن مردم حق ولایت و قیمومت مردم رابه نایب امام داده است



آیا ولی یک محجور و یا دیوانه تکلیفی دارد که گزارش اقدامات و دارایی محجور و دیوانه رابه خود آن دیوانه و محجور بدهد؟ البته که نه. اگر نه، ولی فقیه هم تکلیفی بردادن گزارش دارایی های مردم و وضع کشور به مردم ندارد.

ایرانیان (در ذهن شیعه) بظاهر مردمی انسان نما هستند، مهربان و میهمان نواز هم معرفی شده اند ولی از نظر معنا و ماهیت انسان شناخته نمیشوند،

زیرا موقعیت آنها در تعریف انسان که برخوردار از اصل آزادی اراده و اندیشه است برخوردار نیست. ایفای باورهای مذهبی در اختلاط با باورهای نژادی آریائی معجونی بوجود آورده است که بزحمت میتوان نمونه مشابهی از آنرا در بین سایر انسان های جهان یافت و درست یادآور ضرب المثل <شترگاو و پلنگ است>.

نمونه شتر گاو پلنگ

توقعات ما از جمهوری اسلامی حتی در حد توقعات دیوانه و محجور هم نیست، خیلی ناهموار و ناموزون است، دیوانه و محجورها خودشان هیچ سندی را مبنی بر اینکه دیوانه و محجور هستند امضا نمیکنند ولی ایرانیان هم به سند محجوریت خودشان رای داده اند (قانون اساسی جمهوری اسلامی باب ولایت فقیه) و هم (اعتقاد به مرجعیت و سلسله مراتب آن) دارند و هم ادعای کبارت و عقل و تسلط بر کم و کیف زندگی و حقوق خود دارند؛ این دیگر در دنیای انسان هم نمونه است! و نتیجه این شترگاو پلنگ بودن این است که ایرانیهای اهل تشیع نمیدانند که کجا قرار دارند و کی هستند.

فرد، فرد ایرانیان متشیع تصور میکنند آزاد و صاحب رای و کم و بیش متمکن و حتی شاید وطن پرست هم خودشان رابدانند و نمیدانند در مقابل موقعیت حجری که تشیع بر آنها وارد و خودشان هم از آن موقعیت استقبال و زیر چتر ولی فقیه قرار گرفته اند، نه تنها انسان بلکه هیچ چیزی نیستند و تشبیهی که امام ششم آنها و سپس منتظری بنقل قول از او گفته: <مردم در جامعه تشیع واقعا کف هستند> و همانطور که کف نمیدانند چیست و حدش در کجاست ایرانیهای متشیع هم نمیدانند در حالیکه در موقعیت حجر قرار دارند حدشان در دست و اراده قیم و ولی فقیه آنهاست.

در فلسفه بحثی درباره انسان شناسی میگوید: <انسان خود معجزه بزرگی است در حدی که اول خودشناسی و بعد خداشناسی> چنین انسانی در جوامع تشیع نمیتواند وجود یابد زیرا لازمه خودشناسی، خودآگاهی است و خود آگاهی بدور از تعبد و تقلید و فرما برداری با آزادی فکر، تفکرات خود را بارور و به جامعه تحویل میدهد. در جامع تشیع در این محدوده فقط فقها و مراجع تقلید که همان قیم های مردم هستند خود را جا داده اند؛ بنابراین در جامعه تشیع همانطور که امام ششم شیعیان گفته فقط علما و شاگردان آن انسان هستند و بقیه مردم کف تشریف دارند.

انسان ها و حتی حیوانات در سنی خاص بطور طبیعی دوران حجر را پشت سر میگذارند و بر حقوق و آزادی ها و مایملک خود استقلال عمل پیدا میکنند ولی ایرانیان متشیع از ناف مادر تا گور همچنان در تب و تاب حجر و قومیت ولی فقیه و یا مرجع تقلید مقید و محصورند.

مقصود از ناف مادر دوران زندگی در رحم مادر و مقصود از گور، شب اول قبر است که شعیه معتقد است از میت زنده شده اولین سوال این است که مرجع تقلید تو کیست.

انسان ها در جوامع تشیع حقیقتاً در جایگاه حیوان هم قرار ندارند از تولد تا گور محجور و تحت لوای اراده قیم ادامه حیات میدهند آنوقت ادعای روشنفکری - مبارزه سیاسی - و احتمالاً وطن پرستی هم دارند که این آخری خیلی جالب و درست مصداق همان شترگاو پلنگ است زیرا خودرامیهن پرست میدانند در عین حال برای اعراب متجاوز به کشور سروسینه میکوبند و تجلیل میکنند و سفره و اطعام میدهند و این شعارشان است <مرد کامل و مقرب نزد خدا کسی است که دوقطره اشک برای امام حسین بریزد> [بخوانید برای قاتل زن و مرد و کودک ایرانی]

نمونه دیگر

ایرانیهای متشیع میدانند که به اعتبار باورهای مذهبشان صغیر و محجورند، میدانند که باورهای مذهبشان را عیناً در قانون اساسی شان (قانون جمهوری اسلامی) پیاده و به آن رای داده اند، میدانند که از خودشان سلب صلاحیت و حاکمیت و تفکر آزاد کرده اند، معهداً توقعاتی دارند که با باورهای آنها هماهنگی ندارد؛ از جمله اینکه چرا گم شدن دکل های نفتی را جمهوری اسلامی کتمان میکند؟ چرا فساد های مالی را کتمان میکند؟ چرا میزان دارایی های ایران را کتمان میکند؟ چرا قراردادهای نفتی را آشکار نمیکند؟ چرا مذاکرات محرمانه در عدن را فاش نمیکند و.....

پاسخ همه اینها در این است که نه محجور صلاحیت دانستن این معلومات را دارد و نه قیم و ولی محجور تکلیف دارد که مراتب مزبور را با صغیر و محجور در میان بگذارد بنابراین فصل بی اطلاعی جمهوری اسلامی مختومه و فصل عدم نیاز آن مفتوح است.

اموال مسئله ایران در آمریکا

ضرب المثل <اول برادریت را ثابت کن و بعد ادعای ارث و میراث کن> کاملاً صورت مسئله ادعای ایرانیان متشیع بر اموال بلوکه شده ایران در آمریکا است.

ادعای نظارت و کم و کاست مبلغ دارایی های بلوکه ایران در آمریکا از آن ملتی است که بر اساس فقه تشیع شکل حقوقی و سازمانی نداشته باشد بلکه سازمان حقوقی آن ملت متأثر از حقوق دمکراتیکی باشد.

مردم ایران که زیر یوغ تشیع در شکل سازمانی جمهوری اسلامی تشیع قرار دارند واجد هیچگونه حق تملک عینی و مادی بر منابع ثروت کشور از قبیل معادن از هر نوع نیستند خلاصه وضع مالکیت در مذهب تشیع که محیط تمامی لحظات زندگی ایرانیان از مسائل بسیار خصوصی و شخصی تا مسائل اقتصادی و سیاسی و اجتماعی است درد و کلمه چنین است:

<تمام زمین و هر چه در آن بوده است ملک حضرت آدم و انبیای بعدی و بعد هم ملک خاتم الانبیا بوده (سوره اعراف آیه ۱۲۸) و همچنین روایات از علی و فلسفه تشیع همه زمین و هر چه در آن هست ملک اهل بیت و پس از آنها متعلق به امام و ولی فقیه جامعه تشیع است و تصرفات مردم در اموال خودشان تصرف امانی و ادنی است و هر زمان که امام و ولی فقیه مصلحت بدانند از آنها خلع ید خواهد کرد.>

>تسلط ولی فقیه تنها این نیست که صاحب اختیار بلامعارض تصرف در نفوس و اموال مردم میباشد بلکه میتواند حکم تعطیل توحید را موقتا صادر کند میتواند نماز و روزه و مساجد را تعطیل کند و حرام خدا را حلال و حلال را حرام کند<

**** بنا بر این دارایی های بلوکه شده ایران در آمریکا بهر مقدار که باشد به مردم ایران تعلق و توجهی ندارد و ملک طلق ولی فقیه سید علی است که بهر نحو که بخواهد در آن دخل و تصرف کند؛ کم و یا زیاد و یا اصلا همه آنرا به آمریکا ببخشد؛ که ظاهرا فرم آخری مطرح است. (برای حفظ رژیم خودش)!!**

**** سید علی ماهیانه چه مبلغ حقوق دریافت میکند؟ هیچ، زیرا همه درآمد کشور مال اوست، انسان خودش از مال خودش که حقوق دریافت نمیکند!**

**** در دوازدهم نوامبر سال ۲۰۱۳ رادیوی فارسی صدای روسیه اعلام کرد <آیت الله علی خامنه ای مقام معظم رهبری ایران صاحب یک امپراطوری بازرگانی میباشد که کارشناسان ایرانی میزان دارایی این امپراطوری را ۹۵ میلیارد دلار برآورد کرده اند و این درآمد حدود یک سوم بیشتر از درآمد سال گذشته خزانه کشور ناشی از درآمد نفت میباشد.>**

این مجموعه عظیم ولی فقیه نه مشمول مالیات است و نه مجلس و دولت و دیوان محاسبات بر آن نظارت دارد چرا؟ زیرا ملک طلق شخص سید علی است بخشی از دارایی ملت و کشور در جمهوری اسلامی است که بموجب شرع مالکیت او تنفیذ شده است.

**** تمام مذاکرات هسته ای زیر نظر و موافقت سید علی انجام گرفته است حتی در همین روزها عراقچی گفت: <هر جا که از خطوط قرمزی که رهبر تعیین کرده بود عقب نشینی شد با اجازه رهبر بوده است.>**

خامنه ای نه در قانون اساسی جمهوری اسلامی و نه در تخصص او بود که تا این حد بر مذاکرات و تصمیمات راجع به فعالیت های هسته ای دخالت کند علت این است که به اعتبار مذهب شیعه ای که ایرانیان تن به ذلت آن داده اند تمام فعالیت های هسته ای ایران ملک طلق سید علی میباشد.

دستاوردهای حقوقی این تحریر

نظر به اینکه بر اساس منشور سازمان ملل کشور ایران یک واحد حقوقی متاثر از حقوق مدرن و منشور سازمان مل متحد شناخته شده است و...

نظریه اینکه بر طبق منشور سازمان ملل تمامی دارایی های کشور متعلق به ملت آن کشور بنمایدگی دولت است و...

نظریه اینکه سیاق حقوقی جمهوری اسلامی که متاثر از فقه اسلامی تشیع است ولی فقیه را مالک صاحب اختیار تمام دارایی های کشور میداند و لاجرم دارایی های بلوکه شده ایران نزد آمریکا از آنجمله و متعلق به ولی فقیه میداند و این تصویر فقهی در مبانی حقوقی قانون اساسی جمهوری اسلامی تعریف شده است

نظریه اینکه ملت ایران در قانون اساسی جمهوری اسلامی به اعتبار اصل ولایت فقیه محجور شناخته شده و این امر دائر مدار حقوق سیاسی ایران کنونی را تشکیل میدهد و...

نظریه اینکه روال مزبور خلاف اعلامیه جهانی حقوق بشرواهانت به جامعه بشریت وبخصوص نادیده گرفتن شئون ملی ملت کهن و با فرهنگ ایران است...

لذ

استنباط حقوقی این است که چنانچه آمریکا هر مقدار ویا تمام دارائی های بلوکه شده ایران را به جمهوری اسلامی بپردازد پرداخت مزبور به سیدعلی خامنه ای تلقی و به اعتبار منشور سازمان ملل متحد آمریکا ضامن ملت ایران خواهد بود.